



محمد بن جریر طبری

الحاج عبدالکریم غریق - هاند

امام ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری شخصیتی مجتهد، مفسر، مؤرخ، فقیه، شاعر، فیلسوف و ملقب به امام المفسرین و امام المؤرخین می باشد، موصوف در سال ۲۲۴ هجری قمری مطابق به سال ۸۳۸ میلادی در زمان خلافت ابو اسحاق محمد معتصم فرزند هارون الرشید که پس از مامون الرشید به خلافت رسیده بود، و هشتمین خلیفه عباسی می باشند، در شهر آمل مرکز ناحیه طبرستان (مازندران امروزی) متولد گردید. پدر طبری شبی در خواب دید، که پسر خورد سالش در روی دستان رسول الله (ص) بسیار با خوشحالی مشغول بازی کردن است، او این خواب را به فال نیک گرفت، و اراده کرد تا برای آموزش و تربیت فرزندش از هیچ گونه تلاشی دریغ نکند، و همان بود که او را در آوان کودکی طبقی که عادت اکثر مسلمین هست، به مدرسه تعلیم قرآن فرستاد، و طبری شروع به حفظ قرآن کریم نمود، و در هفت سالگی قرآن را حفظ کرد، و بعد از حفظ قرآن کریم به فراگیری مقدمات علوم آن روز از جمله حدیث پرداخت، او از نه سالگی شروع به خواندن و حفظ حدیث کرد، همان بود که آثار نبوغ طبری نمایان شد، و همگان متوجه شدند، که او انسانی نهایت هوشمند و کاملاً استثنائی است. طبری در دوازده سالگی عازم ری شد، و بعد از مدتی اقامت در ری بعد از سال ۲۴۰ هجری قمری قصد سفر به بین النهرین را کرد، و به شهر های بغداد و بصره سفر نمود، و از علمای آن دیار کسب دانش کرد، و باز برای فراگیری علوم و گردآوری دانش از راه شامات عازم مصر شد، و در سال ۲۵۳ هجری قمری در هنگام حکومت احمد بن طولون به فسطاط مصر رسید، و در مصر در نزد عده ای از دانشمندان آن دیار شاگردی نمود، و در آن جا به افکار و نظریات امام مالک، امام شافعی و ابن وهب آشنائی پیدا کرد. او پس از سه سال اقامت در مصر باز دوباره از راه شام به بغداد مراجعت نمود، و پس از مدت کوتاهی اقامت در بغداد برای دیدار از زادگاهش راهی طبرستان شد، و به آمل آمد، و باز دوباره به بغداد برگشت، و در آن شهر در محله رحیلة الیعقوب سکونت اختیار کرد، و مطالعات علمی خود را ادامه داد، و در این وقت او عالمی سرآمد در فقه، تاریخ و حدیث بود. و از کبار مجتهدین بشمار می رفت. طبری سفری نیز به هندوستان نموده است. موصوف از علمای چون احمد بن کامل قاضی، محمد بن عبدالله شافعی، مخلد بن جعفر، احمد بن عبدالله بن حسین جینی کبائی، احمد بن موسی بن عباس تمیمی، عبدالله بن احمد فرغانی، عبدالواحد بن عمر بن محمد ابوطاهر بغدادی معروف به بزاز، محمد بن احمد بن عمر معروف به ضریر رملی، محمد بن محمد بن فیروز و مردمان زیادی دیگر درس گرفت، و از افراد چون محمد بن عبدالملک بن ابی شوارب، اسماعیل بن موسی سدی، اسحاق بن ابی

اسرائیل، محمد بن ابی معشر که برای طبری به نقل از پدرش در باره مغازی گزارش داد، أحمد بن منیع، محمد بن حمید رازی، ابا کریب محمد بن علاء، هناد بن سَری، ابا همام سکونی، محمد بن عبدالأعلیٰ صنعانی، بُندار، محمد بن مثنیٰ، سفیان بن وکیع، فضل بن صباح، عبده بن عبدالله صفار، سلم بن جُناده، یونس بن عبدالأعلیٰ، یعقوب دورقی، احمد بن مقدم عجللی، بشر بن معاذ عقدی، سوار بن عبدالله عنبری، عمرو بن علی فلاس، مجاهد بن موسیٰ، تمیم بن مُنتظر، حسن بن عرفه، مهتاء بن یحییٰ، علی بن سهل رملی، هارون بن اسحاق همدانی، عباس بن ولید عذری، سعید بن عمرو سکونی، احمد ابن اخی ابن وهب، محمد بن معمر قیسی، ابراهیم بن سعید جوهری، نصر بن علی جهضمی، محمد بن عبدالله بن بزیع، صالح بن مسمار مروزی، سعید بن یحییٰ اموی، نصر بن عبدالرحمن اودی، عبدالحمید بن بیان سکری، احمد بن ابی سُریح رازی، حسن بن صباح بزار، و ابا عمار حسین بن حریث و امثال ایشان حدیث شنید، و علم آموخت، و از او ابو شعیب عبدالله بن حسن حرانی که از او بزرگتر هم بود، ابوالقاسم طبرانی، احمد بن کامل قاضی، ابوبکر شافعی، ابو احمد بن عدی، مخلد بن جعفر باقرحی، قاضی ابو محمد بن زبیر، احمد بن قاسم خشاب، ابو عمرو محمد بن احمد بن حمدان، ابو جعفر بن علی کاتب، عبدالغفار بن عبیدالله حُضینی، ابو المفضل محمد بن عبدالله شیبانی، معلی بن کثیر و خلقی زیاد دیگر روایت نموده اند. امام محمد بن جریر طبری شاعر شیرین بیان بود، و این چند بیت از نمونه شعر او است:

إِذَا أَعْسَدْتُ لَمْ يَعْلَمْ رَفِيقِي وَاسْتَعْنِي فَيَسْتَعْنِي صَدِيقِي
 حَيَّائِي حَافِظًا لِي مَاءَ وَجْهِ وَرَفِيقِي فِي مُطَابَلَتِي رَفِيقِي
 وَ لَوْ أَنِّي سَمَحْتُ بِبَدَلِ وَجْهِ لَكُنْتُ إِلَى الْغِنَى سَهْلَ الطَّرِيقِ

طبری شخصی زاهد، عابد و متقی بود، عزالدین ابن اثیر در تاریخ الکامل آورده است: طبری آدمی خوش قیافه با چشمانی قهوه ای رنگ، قد کشیده، لاغر اندام، زیرک و خوش زبان بود، اما با دنیا علاقه چندانی نداشت، و با اندک امکانات زنده گمی می کرد، و از ملکی که از پدرش برای او در طبرستان بمیراث مانده بود، امرار معاش می کرد، و هیچ وقت تحفه ها و عطایای ملوک و امراء را قبول نمی نمود، المقتدر خلیفه عباسی برایش هدیه فرستاد، طبری قبول نکرد، و باری نیز برایش پیشنهاد منصب وزارت داد، اما او نپذیرفت، هم چنین مقام قضاء هم که از طرف خلیفه برایش پیشنهاد گردیده بود، قبول نکرد. علم فراوان و دانش بی کران طبری باعث آن شد، که طبری از برجسته ترین علماء شناخته شود، و بزرگترین دانشمندان برای تلمذ و شاگردی به مجلس درس و بحث او حاضر شوند، اما عده ای بر او حسد ورزند، که شاخص ترین آنها ابی بکر محمد بن داود ظاهری عالم حنبلی بود، او که پیروان زیادی در بین النهرین خاصتاً بغداد داشت، خود و پیروانش محیط را بر طبری ضیق ساختند، و در

آخر عمر او را در خانه اش محصور گردانیدند، چنانچه عزالدین ابن اثیر در تاریخ کامل آورده است: نخست او را امامی و از آن پس خدا ناباورش بخواندند، و در روز از خاک سپاری او جلو گرفتند. علی بن عیسی می گفت: به خدا اگر از این گروه پیرامون امامیه و الحاد پرسیده شود، هیچ آگاهی از آن ندارند. ابن مسکویه در تجارب الامم می نویسد: این که گفته اند، عوام بر او تعصب ورزیدند، سخن نادرست است، و تنها گروهی از حنبلی ها بر او ستیزیدند، و او را بدکیش خواندند، و دیگران نیز از این گروه دنباله روی کردند، این کارها نیز انگیزه ای ویژه داشت، و آن چنین بود، که طبری کتابی گرد آورد، که در آن اختلاف فقها را یادآور شد، مانند این کتاب پیش تر نگاشته نشده بود، طبری در این کتاب نامی از احمد بن حنبل نبرده بود، این کاستی را بدو یادآور شدند، او در پاسخ گفت: احمد بن حنبل محدث بود نه فقیه. این سخن بر حنبلیان گران آمد، حنبلیان بغداد از فرط فراوانی شماره نمی شدند، پس بر او شوریدند، و گفتند، آنچه خواستند.

حَسَدُوا الْفَتَىٰ إِذْ لَمْ يَنَالُوا سَعِيَهُ فَالْتَّاسُ اَعْدَاءُ لَهُ وَخُصُومُ
كَضْرَائِرِ الْحَسَنَاءِ قُلْنَ لَوْجِهَهَا حَسَدًا وَبَغِيًّا إِنَّهُ لَدَمِيمٌ

ترجمه: آن ها بر آن راد مرد حسد ورزیدند، آن گاه که بر تلاش او دست نیازیدند، پس مردمان دشمنان و ستیزه گران او گشتند، همچون کورانی که چهره زنان زیبایی را از سر حسد و ستم زشت خواندند. طبری پیرو قرآن و سنت و در فقه از مریدان مذهب امام شافعی بود، و هیچ گونه ارتباطی با رفض و رافضی گری نداشت. چنانکه فرغانی از قول هارون بن عبدالعزیز می گوید: ابوجعفر طبری برایم گفت: من بر مذهب شافعی هستم، و مدت ده سال در بغداد در این راه تلاش کردم. و هم خود طبری بر آن درجه از علم رسیده بود، که اجتهاد کند، و بعضی از علماء هم او را مجتهدی مستقل می دانند. طبری قریب به نماز شام روز یکشنبه که دو روز از ماه شوال باقی مانده بود، در سال ۳۱۰ هجری قمری مطابق سال ۹۲۳ میلادی به عمر هشتاد و پنج یا هشتاد و شش سالگی در حالی که زیاد تر موی های سر و ریش او هنوز سیاه بود، وفات یافت، و وفات او هم زمان با خلافت ابوالفضل جعفر المقتدر با الله خلیفه عباسی بوده است. طبری را در چاشتگاه روز دوشنبه در باغچه خانه اش در منطقه رحبه یعقوب که بنام حدیقه الرحبی یاد می شد دفن کردند، و بعد خانه های قدیمی اطراف مقبره اش را خراب نموده، و ساحه مزار او را توسعه دادند، که امروزه بنام مقبره امام طبری یاد می شود، و در شارع (سرک) بیستم منطقه اعظمیه بغداد واقع گردیده است. خطیب ابوبکر بغدادی و ابن عساکر دمشقی می گویند: وقتی مردم خیر فوت امام طبری را شنیدند، عده ای کثیری که قابل شمارش نبودند، از بغداد و شهرهای اطراف جمع گردیدند، و بر او نماز

جنازه خواندند، و تا مدت ها بعد هم مردم گروه گروه بر مقبره او نماز جنازه می خواندند. عده ای از ادباء و شعراء نیز در رثای او اشعاری سرودند. از جمله ابوبکر بن درید سروده است:

لن تستطيع لأمر الله تعقياً فاستجيد الصبر أو فاتبع الخوبا

و ابو سعید ابن الاعرابی وقتی خبر وفات امام محمد بن جریر طبری را شنید، گفت:

قام ناعی العلوم اجمع لما قام ناعی محمد بن جریر

تعدادی از علماء در باره امام محمد ابن جریر طبری چنین فرموده اند: ابو سعید بن یونس می گوید: محمد بن جریر اهل آمل بود، در مصر درس خواند و نوشت، و به بغداد مراجعت کرد، و تالیفات نیکوی او دلالت بر وسعت علمش دارد. خطیب ابوبکر بغدادی می گوید: او از پیشوایان دانشمندی بود، که بر پایه سخن او داوری می شد، و از بهر معرفت و فضلش به سخن او روی آورده می شود، او از دانش آن قدر بهره می داشت، که در میان هم روزگاراناش هیچ کس انباز او شمرده نمی شد، او کتاب خدا را در دل داشت، و با قرائت ها آشنا بود، و مفاهیم آن را نیک می دانست، و در احکام قرآن ژرف اندیش بود، و از سنت ها و راه های آن آگاهی داشت، و درست و نادرست و ناسخ و منسوخ آن را می دانست، و از سخن صحابه و تابعان و پسینان ایشان در احکام و حلال و حرام آگاه بود، و با گزارش ها و رویداد های مردم آشنائی داشت، و در تاریخ ملت ها و شهریاران کتابی بنام (تاریخ طبری معروف به تاریخ الأمم والملوک) نگاشت، چنان که کتابی در تفسیر (جامع البیان عن تاویل آی القرآن) نبشت، که مانندی برای آن یافت نمی شود، او در اصول و فروع فقه کتاب های بسیار نوشت، و از سخن فقها گزارش ها آورده، و مسائلی دیگر که تنها از او آورده شده، و از او باز گفته می شود. ابو احمد حسین بن علی بن محمد رازی تمیمی معروف به حسینک در باره طبری می گوید: نخستین پرسش امام ابوبکر بن خزیمه از من آن بود که: آیا از محمد بن جریر طبری چیزی نوشته ای؟ گفتم: نه. گفت: چرا؟ گفتم: رخ نمی نماید، و حنبلیان نمی گذراند، کس نزد او رود. او گفت: ای کاش هر آنچه نوشته بودی نمی نوشتی، و تنها از ابو جعفر (طبری) روایت می کردی. ابن خزیمه هنگامی که تفسیر طبری را از نظر می گذراند، گفت: بر روی زمین دانا تر از ابو جعفر نمی شناسم، و حنبلیان بر او ستم کردند. ابو محمد عبدالله بن احمد فرغانی پس از شمردن نگاهشته های طبری می گوید: ابو جعفر از کسانی بود، که در راه خدا از نکوهش هیچ نکوهینده ای پروا نداشت، و در دانش آشکارا هرگز از حقی که خدا و مسلمانان او را در گزاردن آن پایبند می کردند، از سر ترس یا شهوت به باطل نمی گزید، اگرچه آزار بسیار و دشنام فراوان از سوی نادانان، حسد ورزان و کافران بدو می رسید.

آثار امام محمد بن جریر طبری عبارت اند:

- ۱- تفسیر طبری موسوم به جامع البیان عن تاویل آی القرآن. ۲- تاریخ طبری موسوم به تاریخ الأمم والملوک.
- ۳- التبصیر فی معالم الدین. ۴- کتاب آداب النفس الجیدة والأخلاق النفیسة. ۵- اختلاف علماء الأمصار فی أحكام الشرائع الإسلام. ۶- صریح السنه (که طبری در آن مذهب و عقیده خود را بیان می کند). ۷- الفصل بین القراءت. ۸- آداب القضاء. ۹- آداب النفوس. ۱۰- آداب المناسک. ۱۱- تهذیب الآثار. ۱۲- فضائل أبی بکر و عمر. ۱۳- ذیل المذیل.

منابع و مأخذ:

- ۱- سیر أعلام النبلاء مجلد سوم از صفحه ۵۴۷ الی صفحه ۵۵۳ به شماره ۲۷۰۲ طبقه هفدهم از تابعین تالیف ذهبی - عربی.
- ۲- البداية والنهاية مجلد ششم صفحه ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ حوادث سال ۳۱۰ هجری قمری تالیف ابن کثیر دمشقی - عربی.
- ۳- تاریخ الكامل جلد یازدهم از صفحه ۴۷۱ تا صفحه ۴۷۱۷ حوادث سال ۳۱۰ هجری تالیف ابن اثیر ترجمه- حمید رضا آثیر-فارسی.
- ۴- ویکیبیدیا الموسوعة الحرة (دائرة المعارف عربی) تاریخ نشر چهارم جنوری سال ۲۰۱۸ میلادی، ساعت ۲۲/۴۸ دقیقه.
- ۵- ویکیبیدیا دانشنامه آزاد - فارسی - تاریخ نشر، هشتم فبروری سال ۲۰۱۸ میلادی، ساعت ۲۰/۱۵ دقیقه.